




بَرَزَ* الثَّعْلَبُ يَوْمًا فِي شِعَارِ النَّاصِحِينَا

فَمَسَى* فِي الْأَرْضِ يَنْصَحُ وَ يَسُبُّ* الْمَاكِرِينَا*



و يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ ... هِ إِلِهِ الْعَالَمِينَا
يَا عِبَادَ اللَّهِ تَوَبُوا فَهُوَ كَهْفُ* التَّائِبِينَا
وَ أَطْلُبُوا الدَّيْكَ* يُؤَدِّنُ لِصَلَاةِ الصُّبْحِ فِينَا



فَذَهَبُوا إِلَى الدَّيْكَ، فَقَالَ: 

بَلَّغُوا* الثَّعْلَبَ عَنِّي* عَن جُدُودِي* الصَّالِحِينَا
عَن دَوِي التَّيْجَانِ مِمَّنْ دَخَلُوا الْبَطْنَ* اللَّعِينَا
إِنَّهُمْ قَالُوا وَ خَيْرُ الدَّ... قَوْلِ قَوْلِ الْعَارِفِينَا:
مُحْطَى* مَن ظَنَّ* يَوْمًا أَنَّ لِلثَّعْلَبِ دِينَا

أحمد شوقي (بتصرف)

در تابلوی زیر به کلمه «کتاب» و حرکت آن توجه کنیم :

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾
 ﴿وَأُنزِلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ﴾
 ﴿مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾

برخی کلمات در زبان عربی با تغییر موقعیت در جمله، حرکت
 حرف آخرشان تغییر می کند و تعدادی نیز در همه موقعیت ها، حرکت
 حرف آخرشان ثابت می ماند.

نام گذاری

به کلماتی که حرکت حرف آخر آن ها با تغییر موقعیت تغییر کند، «مُعْرَب» گویند.
 به کلماتی که حرکت حرف آخر آن ها در هر موقعیتی ثابت بماند، «مَبْنِي» گویند.

از خود سؤال کنید :



حرف کدام حرف معیار تشخیص معرب و مبني است؟

به نظر شما مشتقاتی که تاکنون خوانده ایم جزء کلمات معرب هستند یا مبني؟

مصطلحات

آیا با حرکت های «ضمّه»، «فتحه»، «کسره» و نیز «سکون» آشنا هستیم؟
آیا تفاوت حرکت آخر کلماتی مانند: «نَحْنُ»، «هُوَ»، «هُؤَلَاءِ» و نیز «أَكْتُبُ» را تشخیص می دهیم؟

کلمات مبنی را بر اساس حرکت آخر آن ها (حرکت حرف لام الفعل) چنین می نامیم:
مبنی بر فتح (هُوَ) مبنی بر ضم (نَحْنُ) مبنی بر کسر (هُؤَلَاءِ) مبنی بر سکون (أَكْتُبُ)

اما

برای نام گذاری حرکات در آخر کلمات «معرب» از اصطلاحات دیگری استفاده می کنیم.

جزم

جر

نصب

رفع

اعراب آخر کلمات معرب دارای چهار حالت است.

و علامت آن **ضمّه** است؛ مانند: الحسنة، حسنة

و علامت آن **فتحه** است؛ مانند: الصادق، صادقاً

و علامت آن **کسره** است؛ مانند: الاجتهاد، اجتهاد

و علامت آن **سکون** است؛ مانند: لا تكذب

رفع

نصب

جر

جزم

در زبان فارسی نیز گاهی حرکت حرف آخر کلمه تغییر می کند. به حرکت کلمه «گل» در ترکیب «گل سرخ» دقت کنید.

کلمات معرب را بر اساس حرکت آخر آن ها چنین می نامیم:
مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم.

کلمات معرب و مبنی

| | | |
|----------------------------------|------|-----|
| ضمیر، اسم اشاره، موصول، استفهام | مبنی | اسم |
| بیشتر اسمها (به جز اسم های مبنی) | معرب | |
| ماضی، امر | مبنی | فعل |
| مضارع | معرب | |
| تمام حروف | مبنی | حرف |



در فعل مضارع دو صیغه جمع مؤنث نیز مبنی است.

از خود سؤال کنید :

کلمات زبان عربی بیشتر معربند یا مبنی؟

برای کدام یک از کلمات انتظار تغییر حرکت حرف آخر را ندارید؟

آیا می دانید چرا یادگیری بحث معرب و مبنی مهم است؟

کلمات مبنی که به الف ختم می شوند؛ مانند :
عَلِي، إِلَي، حَتَّى ...
مبنی بر سکون هستند.

کلمات مبنی که به «ياء» ساکن ختم شوند، مانند :
فِي، أَلَدِي، أَلْتِي ...
مبنی بر سکون هستند.



إجعل الكلمات التي تحتها خطٌ في مكانٍ مناسبٍ من الجدول :

(الف) :

١- أَلْعَاقِلُ مِّنْ وَعَظْمُهُ* التَّجَارِبِ.

٢- هل يَنْجَحُ الَّذِينَ لَا يَدْرُسُونَ؟

٣- هم وَجَدُوا طَرِيقَةً لِحَلِّ هَذِهِ الْمَشْكَالَةِ.

٤- نحن دَرَسْنَا وَنَجَحْنَا فِي الْإِمْتِحَانِ.

| المبني | | | | |
|----------|-----------|-----------|------------|-------|
| على الضم | على الفتح | على الكسر | على السكون | |
| | | | | الاسم |
| | | | | الفعل |
| | | | | الحرف |

(ب) :

١- وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا.

٢- لَا تَتَكَاسَلْ فَإِنَّ طَرِيقَ الْعِزِّ صَعْبٌ.

٣- هل يَتَعَمَّدُ الْعَاقِلُ عَلَى الْجَاهِلِ؟

| المعرب | | | | |
|---------|---------|---------|---------|-------|
| المرفوع | المنصوب | المجرور | المجزوم | |
| | | | - | الاسم |
| | | - | | الفعل |

التَّوْبِينِ الثَّانِي

صِلْ كُلَّ كَلِمَةٍ فِي الْعُمُودِ الْأَوَّلِ بِمَا يُنَاسِبُهَا مِنَ الْعُمُودِ الثَّانِي :

| | |
|---|----------|
| موصولٌ خاصٌّ و مبنئٌ على السُّكُونِ. | كَيْفَ |
| فعل مضارعٌ مرفوعٌ و معربٌ. | أُدْرُسُ |
| ضميرٌ منفصلٌ مرفوعٌ و مبنئٌ على الفَتْحِ. | هؤلاءِ |
| اسمٌ استفهامٌ و مبنئٌ على الفَتْحِ. | هي |
| فعلٌ أمرٌ و مبنئٌ على السُّكُونِ. | الَّذِي |
| اسمٌ إشارةٌ و مبنئٌ على الكَسْرِ. | يَعْلَمُ |

التَّوْبِينِ الثَّالِثِ

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجَمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

- ١- ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (بقرة / ١٧٧)
- آنان کسانی اند که راست گفتند و آنان همان پرهیزگارانند.
- اینان که راست می گویند؛ همان پرهیزگارانند.
- ٢- ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾ (طه / ١٣٠)
- پس بر آنچه می گویند، بی تابی مکن، آنان به ستایش پروردگارت تسبیح گویند.
- پس بر آنچه می گویند، شکبیا باش، و به ستایش پروردگارت تسبیح گوی.
- ٣- ﴿إِنِّي لِمَا أَنزَلْتُ إِلَيْكَ مِنَ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ (فصص / ٢٤)
- همانا من به آنچه از نیکی به سویم فرستی، نیازمندم.
- همانا من به آنچه نفرستادی از خوبی ها نیازمندم.



□ در زبان فارسی، فعل معمولاً در آخر جمله قرار می‌گیرد، و حال آن‌که در عربی، فعل معمولاً ابتدای جمله می‌آید.

□ در ترجمه اسم‌هایی که دارای تنوین هستند، گاهی «ی» (وحدت یا نکره) اضافه می‌کنیم : کتابُ : کتابی

اشکالات ترجمه فارسی متن زیر را اصلاح کنید :

مَهْرُ الْبُومَةِ

تَسْكُنُ بَوْمَةٌ فِي خَرَبَةٍ مِنْ خَرَابَاتِ الْبَصْرَةِ. فَقَصَدَتْ تَرْوِيجَ وَوَلَدَهَا بِإِحْدَى بَنَاتِ الْمُوصِلِ. فَزَفَصَتْ بَوْمَةُ الْمُوصِلِ وَقَالَتْ :

مَحَبَّتِ جَعْدِ

جعدی در خانه‌ای از خانه‌های بصره زندگی می‌کند. [جعغد] خواست پسرش را به ازدواج یکی از دختران موصل درآورد. جعغد موصل مخالفت کرد و فریاد زد :

إِنَّ الْبَصْرَةَ بَلَدٌ كَبِيرَةٌ وَمَعْمُورَةٌ وَوَلَدُكَ لَا يَتَّقِدِرُ دَفْعَ مَهْرِ بِنْتِي وَهُوَ عَشْرَةُ بُيُوتِ خَرَبَةٍ. بی‌گمان بصره شهر شلوغ و آبادی است و پسر تو نمی‌تواند مهر دخترت را که ده مغازه ویرانه است بپذیرد.

فَقَالَتْ بَوْمَةُ الْبَصْرَةِ : نَعَمْ. هُوَ الْآنَ لَا يَتَّقِدِرُ دَفْعَ هَذَا الْمَهْرِ وَلَكِنْ إِذَا بَقِيَتْ حُكُومَةُ مَوْلَانَا الْحَاكِمِ «حَفِظَهُ اللَّهُ» لِمُدَّةِ سَنَةٍ؛

جعغد بصره گفت : آری، او اکنون نمی‌تواند این مهر را بپذیرد ولی اگر حکومت سرورمان، حاکم (خدا او را حفظ کند) برای مدت دو سال دیگر بماند؛

فَأَنَا أَضْمَنُ لِكَ أَلْفِ بَيْتِ خَرَبٍ لِمَهْرِ بِنْتِكَ. من برای مهر دخترت هزار خانه ویرانه را تضمین خواهم کرد.

الف

در آیات زیر سه کلمه از یک ریشه هستند، آن‌ها را در مربع‌های خالی بنویسید و جاهای خالی را پر کنید:

- ۱- ﴿لَا يُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾ (بقره / ۲۶۴)
 - صدقه‌های خویش را با گذاشتن و آزار رساندن باطل نکنید.
- ۲- ﴿لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ (فُصِّلَتْ / ۸)
 - برای آن‌ها پاداشی بی است.
- ۳- ﴿قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا﴾ (یوسف / ۹۰)
 - خداوند بر ما نهاده است.

ب

کدام جمله بیانگر مفهوم آیه زیر است؟

﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ﴾

- الْإِبتِعَادُ عَنِ الْإِفْرَاطِ وَالتَّفْرِيطِ فِي الْإِنْفَاقِ
- عَدَمُ الْإِسْرَافِ فِي الْإِنْفَاقِ
- عَدَمُ التَّحَسُّرِ عَلَى الدُّنْيَا
- الْإِبتِعَادُ عَنِ التَّكَاثُلِ

به نظر شما درس عربی با چه درس‌هایی ارتباط بیش‌تری دارد؟

عربی را آن‌گونه بخوانیم که ما را در فهم درس‌های دیگر کمک کند.

□ برای فهم بهتر قسمت «بیاموزیم» در کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲، فهم بهتر مطالب کتاب عربی ضروری است!

□ برخی قسمت‌های کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲، همچون بحث ضمیر را با همین بحث در کتاب عربی مقایسه کنید.

□ متون کتاب زبان فارسی ۱ و ۲ بر توانایی در زمینه ترجمه متون عربی به فارسی می‌افزاید.

□ در مورد خدمات ایرانیان به زبان عربی در زمینه‌های صرف، نحو، بلاغت و لغت چه می‌دانیم؟

□ در ماهنامه دیواری خود راجع به این شعر حافظ مطلبی بنویسید:

اگرچه عَرُوضِ هنرِ پیش‌یارِ بی‌ادبی است
 زبانِ خموش ولیکن دهانِ پرازِ عربی است